



آزادی انتخابات

نوشته: پریشان

گردآوری: فاروق فرهاد

سوئڈ: ۲۰۲۲

من امروز می خواهم برای خوانندگان کوهستان معنی آزادی انتخابات و طرز اجرای آنرا قدری تشریح نمایم. زیرا جناب اشرف آقای نخست وزیر علاوه بر اینکه در بیانیه‌ها و نطقهای خود به آزادی انتخابات تکیه فرموده بلکه در نطق اخیر نیز صریحا اعلام فرمودند: که کوشش شبانه روزی ایشان برای برقراری امنیت در سراسر کشور بوده تا آزادی انتخابات تامین شود و هر فردی از افراد بتواند آزادانه وکیل صالح و مورد اعتماد خود را معین نماید.

من عادتاً وقتی که یک موضوع مملکتی را می شنوم. بدون اراده در فکر خود آن را به اوضاع ولایت خود تطبیق نموده اجرای آن را در نظر مجسم مینمایم.

آزادی انتخابات!!

این از آن عبارات شیرین است که شخص با میل شنیدن آن را قبول می کند. ولی به محض اینکه امواج امیدبخش این نوید به پرده صماخ گوش انسان رسید و اعصاب آن را به مغز منتقل نمودند عکس العملی را که مغز نشان میدهد، مانند چکش سنگینی که در جهت مخالف بر پرده گوش نواخته شود سر شخص را به دوران در می آورد و اثر گیج کننده ایجاد می نماید.

گوش ساده لوح همه چیز را می شنود، ولی استعداد درک و تشخیص ندارد، گوش طوطی وار هرچه را شنید منتقل می کند. ولی اثر آن در سلولهای مغز است که اخبار وارده را تحت مطالعه قرار میدهد و مطالب صحیح را از نادرست تفکیک نموده و در مقابل دریافت هر چیز تشخیص خود را به شکل عکس العملی به دستگاههای مختلفه بدن انسان میرساند.

آزادی انتخابات!!

انسان لازم نیست خیلی باهوش باشد تا چیزهای ساده را درک کند تشخیص چگونگی آزادی انتخابات هم مطلب مشکلی نیست که هوش و استعداد سرشار بخواهد. کافی است که شخص رأی دهندگان واقعی نه آن توده مردم بیچاره را که گله گله به سوی صندوق روانه می دارند. در نظر بگیرد و با توجه به طرز فکر و کار این اشخاص و سنجش آن با اوضاع حاضر معنی آزادی انتخابات را برای خود روشن سازد.

من در اینجا دو نمونه ذکر می کنم. زیرا مناطق کردنشین را که در نظر میگیرم از این دو نمونه خارج نیست.

نمونه اول - نواحی را میدانم که به مصلحت و سازش چند نفر عاقبت انتخابات و سرنوشتش معین می شود. این چند نفر کسانی هستند که املاک زیاد و یا مستغلات شهری زیاد دارند. اینها با هم می نشینند و با توجه به مصالح خود یک یا چند وکیل آن ناحیه را بین خود تقسیم مینمایند و اشخاصی را از بین خود یا کسان و بستگانشان معین می کنند و قرار میگذارند به او رأی بدهند و اغلب در اتخاذ این تصمیم مأمورین دولت خصوصاً فرماندار محل و فرمانده قشون را هم دخالت داده تا نظر موافق دولت هم جلب شده باشد.

در این صورت بدون جنگ و جدل و مرافعه کار انتخابات انجام می شود و به آزادی به رعیت ها اجازه می دهند که تحت امر مباشرین به سوی صندوق هجوم آورده لوله های رأی را که برای آنها نوشته اند با ارائه سجل احوال به صندوق بیاندازند.

اگر عده معدودی هم که به انتخابات آزاد به معنای واقعی فکر می کنند و خود داشته باشند یا رأی نمی دهد یا اگر رأی هم بدهند از صد یک جمع آرا بطور یقین تجاوز نخواهد نمود.

نمونه دوم - نواحی را می توان شناخت که نفوذ بین اشخاص مختلف تقسیم شده یعنی رأی ها به دستجات کوچک تقسیم شده و در این نواحی اقتدار حکومت برقرار است و وقتیکه اقتدار حاکم یا فرمانده قشون باشد چون انسان جاه طلب است و خواه نا خواه میل دارد در همه چیز دخالت کند، در امر انتخابات هم دخالت می شود.

اگر ترس از مقامات مرکزی باشد، دخالت مخفیانه و غیرمستقیم انجام میشود. یعنی حاکم یا فرمانده قشون یک یک اشخاص را طلب کرده از راه دوستانه و یا اگر ضعیف النفس باشد با قدری ترش روئی می گوید " صلاح در این است که فلان شخص انتخاب شود ".

همین عبارت کافی است که فلان شخص انتخابات را ببرد. بنابراین آزادی انتخابات با این عبارت تأمین شده و اثری هم در پرونده بجا نمی ماند. ولی اگر این مامورین مقتدر محل ترس هم از مرکز نداشته باشند علناً و بی پروا دخالت می کنند کما اینکه دوره گذشته در سقز نظامیها اینکار را کردند و مدرک هم در پرونده گذاشتند.

بنابراین به نظر من در نوع اول، یعنی " انتخابات سازشی " اشخاص کم نفوذ کار مثبتی نمی توانند انجام بدهند تنها کاری که می توانند بکنند این است که رأی صحیح خود و وابستگان خود را بدهند و یا شرکت در انتخابات نشان بدهند که اشخاصی هم پیدا می شوند که غیر از قبول فرمایش و تصویب دیگران از خود هم رای داشته باشند. یعنی بطور ساده تر بگوئیم تنها کاری که این دسته می کنند این خواهد بود که نشان دهند غیر از متنفذین تر از اول زنده های دیگری هم در قید حیات می باشند.

در نوع دوم، اگر مردم حس داشته باشند و بخواهند دارای وکیل واقعی و منتخب خود باشند تنها راه جلوگیری از اعمال نفوذ مأمورین ممکن است بوسیله شکایت و فریاد بنابراین در این قسم منطقه ها آزادی انتخابات در درجه چندم قرار دارد آنچه در درجه اول است حس مردم است اگر مردم

حس داشته باشند. آزادی انتخابات را خواهند گرفت ولی اگر حس نداشتند و هرچه به آنها گفتند برهوار تسلیم شدند و به جای مقاومت چند تعظیم و بلی قربان هم گفتند و برای اجرای اوامر حضرت ... گیوه‌ها را هم ور کشیدند البته چنین ملتی لیاقت داشتن وکیل واقعی را ندارد و هرچه هم به آنها آزادی انتخابات داده شود خود از خود سلب آزادی می نمایند و دنبال قید بندگی میروند.

امیدوارم جریان انتخابات امسال صفحات غرب ساده و حسب الامری برگزار نشود بلکه مردم توجه داشته باشند که هیاهوی مبارزات انتخاباتی مشروع است و نمی توان آنرا رجاله‌بازی خواند.

سکوت و نبودن جنب و جوش و فعالیت های انتخاباتی در مردم نشانه خواب عمیق و یا اسارت و عدم رشد اجتماعی می باشند.

پس ای برادران نشان بدهید که نمرده‌اید.

منبع: نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۵ دوشنبه ۲ دی ماه ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶